



Sociological Explanation of the Factors Affecting the Socio-Cultural Participation of Students of Payame Noor University of Bandar Abbas

Mansooreh Dastranj¹

1. Department of Social Science, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran, (Corresponding Author), E-mail:

md.dastranj@pnu.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Received: 2023.06.28

Received in revised
form: 2023.11.03

Accepted: 2023.11.29

Published online:
2023.12.24

ABSTRACT

Objective: The formation of students' participation in the socio-cultural activities of the university is influenced by several factors. The aim of this study is Sociological Explanation of the Factors Affecting the Socio-Cultural Participation of Students of Payame Noor University of Bandar Abbas.

Methods: The statistical population of the study includes all students of payame noor university of Bandar Abbas, from which a sample of 385 people was selected by appropriate stratified random sampling method. This research was conducted using a survey method using a questionnaire technique. After collecting the questionnaires, the data were analyzed by spss22 statistical software. First, the tables related to the hypothesis test were calculated using T-test and regression test and then the prediction equation related to the relationship of independent variables affecting the socio-cultural participation of students was calculated.

Results: The result showed Gender and self-concept variables have a significant relationship with the three dimensions of socio-cultural participation, while no significant relationship was observed between the variables of marital status, employment status and the three dimensions of participation. Among personality traits, the variables of social alienation and generalism have a significant relationship with the three dimensions of socio-cultural participation. A significant relationship was observed between the variables of control position and futurism with the three dimensions of participation, except for the dimension of participation scale. A significant relationship was observed between interpersonal trust and the three dimensions of participation. There was a significant relationship between institutional trust and the three dimensions of participation, except for the participatory activity dimension.

Conclusion: The motivation to participate in socio-cultural activities is related to personality traits and individual differences. Extracurricular managers in the university provide opportunities based on the interests, needs and motivations of students so that they can benefit from the advantages of socio-cultural activities in the university.

Keywords: Socio-Cultural Participation, Students, Payame Noor University, Bandar Abbas

Cite this article: Dastranj, Mansooreh (2023). Sociological Explanation of the Factors Affecting the Socio-Cultural Participation of Students of Payame Noor University of Bandar Abbas *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 13 (44):44-67 pages. DOI: 10.22034/emes.2023.1971418.2431



© The Author(s).

Publisher: National Organization of Educational Testing (NOET)



تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور

بندرعباس

منصوره دسترنج^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: md.dastranj@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: شکل‌گیری مشارکت دانشجویان در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی دانشگاه تحت تأثیر عوامل متعددی است. هدف این پژوهش تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس می‌باشد.
دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳	روش پژوهش: جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس هستند که از آن نمونه‌ای به حجم ۳۸۵ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. این تحقیق با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفت. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها به وسیله نرم‌افزار آماری spss22 تجزیه و تحلیل شد. ابتدا جدول‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها با استفاده از آزمون T-test و رگرسیون محاسبه و سپس معادله پیش‌بینی مربوط به رابطه متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان محاسبه گردید.
	یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد متغیرهای جنسیت و خودپنداره با ابعاد سه‌گانه مشارکت اجتماعی- فرهنگی رابطه معنادار دارند. در حالیکه میان متغیرهای وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و ابعاد سه‌گانه مشارکت رابطه معنادار مشاهده نشد. از بین ویژگیهای شخصیتی، متغیرهای بیگانگی اجتماعی و عام‌گرایی با ابعاد سه‌گانه مشارکت اجتماعی- فرهنگی رابطه معنادار دارند. میان متغیرهای موقعیت کنترل و آینده‌گرایی با ابعاد سه‌گانه مشارکت به جز بعد میزان مشارکت رابطه معنادار مشاهده شد. میان اعتماد بین شخصی و ابعاد سه‌گانه مشارکت رابطه معنادار مشاهده شد. بین اعتماد نهادی و ابعاد سه‌گانه مشارکت به جز بعد فعالیت مشارکتی رابطه معنادار مشاهده شد.
	نتیجه‌گیری: انگیزه مشارکت در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی به ویژگیهای شخصیتی و تفاوت‌های فردی برمی‌گردد. مدیران فوق‌برنامه در دانشگاه بر اساس علایق، نیازها و انگیزه‌های دانشجویان فرصت‌هایی فراهم سازند تا آنان بتوانند علاوه بر تحصیل از مزایا و فواید فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی در دانشگاه نیز بهره‌مند شوند.
	واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی- فرهنگی، دانشجویان، دانشگاه پیام نور، بندرعباس

استناد: دسترنج، منصوره (۱۴۰۲)، تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس، مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۱۳ (شماره ۴۴)، ۴۴-۶۷ صفحه.

DOI: 10.22034/emes.2023.1971418.2431

ناشر: سازمان سنجش آموزش کشور



حق مؤلف © نویسندگان.

مقدمه

یکی از ارکان اساسی دانشگاه و شاید اساسی ترین رکن آن را دانشجویان تشکیل می دهند، دانشجویانی که نمایندگان فکری جامعه محسوب می شوند. دوران دانشجویی فرصتی برای جامعه پذیری است که با همانند سازی دانشجو با الگوها و هنجارهای اجتماعی، تحقق می یابد و زمینه ساز بالندگی یا انحراف او می شود و این در قالب یک مشارکت اجتماعی مثبت یا گاه منفی شکل می گیرد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۸). مشارکت معادل اصطلاح انگلیسی **participation** است که از ریشه **part** به معنای جزء و بخش گرفته شده و به بخش کردن و تقسیم کردن چیزی اشاره دارد. آلن بیرو مشارکت اجتماعی را به معنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف کرده است. از منظر جامعه شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می دهد (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۴۲). مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیتی اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان داشته، فرایندی است که با گذشت زمان دگرگون شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می گیرد که خود دارای سابقه دیرینه ای است. مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی زندگی اجتماعی از موضوعات مهم جامعه شناسی به شمار می آید. مشارکت در فعالیت های اجتماعی - فرهنگی حاکی از بهره مندی و بهره گیری اعضاء از منابع فرهنگی - اجتماعی موجود است که زمینه برای توسعه شخصیت اعضاء گروه فراهم می آورد (کیواکلیون و همکاران، ۲۰۱۷). مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه های اجتماعی است چرا که افراد از طریق برقراری روابط با یکدیگر و حفظ آن در طول زمان قادر به همکاری با یکدیگر می شوند تا به انجام اموری بپردازند که یا به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند و یا اجرای آن با دشواری های زیادی همراه است (مظفری، ۱۳۹۵: ۵۶). مشارکت اجتماعی حوزه وسیعی از فعالیت ها را در برمی گیرد مثل: عضویت، همکاری و فعالیت های فردی و جمعی افراد در انجمن ها (انجمن های علمی، اسلامی، بسیج، مذهبی، هنری، ورزشی، تفریحی و...) و تشکل ها. از زاویه دید جامعه شناسی علم، کارکرد و ساختار انجمن های علمی دانشجویی دانشگاه، می تواند در سطح نهادهای علمی تأثیرات خود را آشکار سازد. بدیهی است تأثیرات انجمن ها بر فضای دانشگاهی و دانشجویی فقط در حضور یک مشارکت مؤثر از سوی دانشجویان قابل دست یابی است. فراهم ساختن ساختارها و سازوکارهای لازم برای ایجاد و افزایش مشارکت فعال در دانشجویان به آن ها این فرصت را می دهد که مسئولیت طرح ها و برنامه های متعددی را به دست گرفته، نقش فعالی را در میدان دانشگاه و حتی میدان های وسیع تر ایفا کنند.

امروزه ضرورت و اهمیت مشارکت واقعی دانشجویان در تمامی سطوح و جوانب مختلف اجتماعی و فرهنگی بر هیچ کس پوشیده نیست، چرا که مشارکت همه جانبه از بی تفاوتی، تک روی و عدم حس تعاون جلوگیری می کند، نابرابری ها را کاهش می دهد و همبستگی و وحدت را تقویت می کند و در نهایت موجبات انسجام بخشی، هویت بخشی گروهی، پرورش شخصیت و سازگاری با محیط اجتماعی را فراهم می آورد. در سایه مشارکت دانشجویان به مثابه هسته اصلی دانشگاه ها می توان تأثیری مثبت از آن را بر محیط دانشگاهی متصور شد. از این رو توجه به امر توسعه مشارکت دانشجویان در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه می تواند شرایط برای ایجاد، تداوم و کیفی سازی مشارکت و پویایی محیط دانشگاهی را به وجود آورده و باعث توسعه دانشگاه و پیشرفت دانشجویان گردد. در این میان نهادهای دانشجویی دانشگاه ها، از جمله کانون های فرهنگی، هنری و

1. Quaglione & et al

اجتماعی، انجمن های علمی و تشکل های اسلامی و مشارکت دانشجویان در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی، علمی و هنری و... نقشی بارز در اعتلاء و توسعه فرهنگی دانشگاه ایفا می کنند (دلبری و رضانی، ۱۳۹۴: ۴۴).

محیط اجتماعی دانشگاه، چون هر محیط آموزشی، به مثابه نهادی اجتماعی نقش عمده ای در انتقال فرهنگ، درونی کردن هنجارها و ارزشهای اجتماعی، تکوین شخصیت، انتقال ارزش ها و مهارت ها و آموزش فنون و علوم ایفا می کند. در این راستا، نظام آموزش عالی به منظور پاسداری از ارزش های جامعه و فراهم آوردن زمینه رشد همه جانبه شخصیت دانشجویان دانشگاه، برنامه هایی را به عنوان فعالیت های اجتماعی- فرهنگی تدارک می بیند (فروزنده و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴). فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها از رسالت های مهمی است که بر رسالت اصلی آنها که همان رسالت علمی، آموزشی و فناوری است، اثر می گذارد.

آنچه در مراکز آموزش عالی قابل مشاهده است، مشارکت اندک قشر دانشجو و عدم تمایل به شرکت در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی است. بنابراین یکی از مهم ترین هدف های بررسی در آموزش عالی، شناخت دانشجویان از وجوه و ابعاد مختلف و نیازهای آنان در جهت فعال تر کردن جامعه دانشجویی و ایجاد روحیه مشارکت جویی و فعالیت مشارکتی در دانشگاه خواهد بود. بررسی این مسأله می تواند هم در راستای تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی و هم در جهت پویا نمودن دانشگاه مثرثمر واقع شود.

نظر به اهمیت نقش آفرینی دانشجویان در غنا بخشیدن به فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی دانشگاه، شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان می تواند به طراحی الگویی سیستمی برای افزایش مشارکت آنان در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی دانشگاه منجر شود. شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان می تواند در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مسئولین دانشگاهی در این حوزه کمک کننده باشد. بدیهی است آگاهی از میزان مشارکت دانشجویان در امور و فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی ضروری بوده، از اهمیت شایان برخوردار است. لذا در این پژوهش تلاش می شود تا به تبیین علل و عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان پرداخته شود تا با شناخت علل و عوامل تأثیرگذار، پیشنهادهایی به فراخور تحقیق ارائه گردد. بر این اساس سؤال های تحقیق از این قرار است: مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان به چه میزان است؟ آیا ویژگیهای شخصیتی (عام گرایی، موقعیت کنترل، بیگانگی اجتماعی، آینده گرایی) بر روی مشارکت دانشجویان تأثیرگذار می باشد؟ آیا اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) بر روی مشارکت دانشجویان تأثیر دارد؟ آیا متغیرهای زمینه ای (جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال) بر روی مشارکت دانشجویان تأثیر دارد؟ آیا بین خودپنداره و مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

بنابراین هدف این تحقیق، تعیین میزان مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان، تعیین ارتباط بین ویژگیهای شخصیتی (عام گرایی، موقعیت کنترل، بیگانگی اجتماعی، آینده گرایی) با مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان، تعیین ارتباط بین اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) با مشارکت اجتماعی- فرهنگی، تعیین تفاوت میزان مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان بر اساس جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، تعیین ارتباط بین خودپنداره و مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان می باشد.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت فرایندی است که هدف آن بهبود انتخاب افراد از طریق حضور خودانگیخته، فعال، اختیاری و ارادی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، و ... است (مونیز و همکاران^۱، ۲۰۱۷). بنابراین مشارکت به عنوان یک رفتار انسانی صرفاً رفتاری بازتابی و غیرارادی نیست. چون که افراد مشارکت کننده برای رفتار خود معنای ذهنی مشخصی دارند و بر اساس همان معناها اقدام به مشارکت در فعالیت‌های مختلف می‌کنند (لی و همکاران^۲، ۲۰۲۱). مفهوم مشارکت دارای جایگاه مهم در مطالعات جامعه‌شناختی بوده و بر رویکردهای تئوریک و مفهومی خاصی استوار است که در مباحث ذیل به این رویکردها پرداخته می‌شود.

با در نظر گرفتن پارادایم‌های غالب در جامعه‌شناسی در قالب چهار پارادایم مشارکت مطرح می‌شود: در قالب پارادایم واقعیت اجتماعی، مشارکت به عنوان واقعیتی اجتماعی در اشکال جمعی، انجمنی، گروهی و نهادی عینیت پیدا می‌کند که از منظر کارکردی و ساختاری در قالب رویکردهای نظری کارکردی-ساختی و تضاد مورد واکاوی قرار می‌گیرد و مشارکت را به عنوان واقعیتی جمعی در شکل گروهی، سازمانی، نهادی و ساختاری آن در نظر گرفته می‌شود. در قالب پارادایم رفتار اجتماعی، مشارکت به عنوان نوعی رفتار مورد مطالعه قرار می‌گیرد. رفتاری که صورت کاملاً عینی و خارجی داشته و تحت تأثیر محرک‌های بیرونی شکل می‌گیرد. در این پارادایم از حیث نظری از رویکردهای جامعه‌شناسی رفتاری چون نظریه انتخاب منطقی کنش، نظریه مبادله و نظریه بازی برای تبیین رفتار مشارکتی استفاده می‌شود. در قالب پارادایم تعریف اجتماعی، کنشگر اجتماعی به عنوان موجوی فعال و صاحب اراده و اختیار تعریف می‌شود. در این پارادایم از حیث روش‌شناسی تأکید بر فردگرایی روش‌شناختی شده و از رویکردهای نظری کنش متقابل نهادی و پدیدارشناسی برای تفسیر و فهم پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌شود. در پارادایم ترکیبی، برای تبیین مشارکت اجتماعی در تبیین واقعیت‌ها و فرایندهای اجتماعی باید نگاهی کل‌گرایانه داشت و نوعی کثرت‌گرایی روش‌شناختی را پذیرفت و به ابعاد و ساحت‌های مختلف در سطوح فردی و کلان و نیز اثرگذاری و رابطه متقابل بین کنشگران و ساختارهای اجتماعی توجه نمود (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶).

از دیدگاه بسیاری از دانشمندان رویکرد ساختی-کارکردی، انسجام اجتماعی پایه نظم و موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می‌آورد (نابل^۳، ۲۰۰۰: ۱۵). امیل دورکیم^۴ از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان مبحث انسجام اجتماعی است. از نظر وی انسجام اجتماعی بیشتر، موجب تعامل اجتماعی بیشتر می‌شود. دورکیم در نظریات خود به بررسی انجمن‌های داوطلبانه می‌پردازد. دورکیم، انجمن‌ها را در جامعه نوین امری ضروری می‌داند و معتقد است از طریق عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات، مشارکت اجتماعی تحقق می‌یابد. بنابراین از دیدگاه دورکیم، همبستگی و انسجام اجتماعی زمینه مشارکت افراد را فراهم می‌کند. (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). مارتین لیپست^۵ جامعه‌شناس معاصر از واقعیت‌گرایان کارکردگرا است که چون دیگر اصحاب حوزه واقعیت اجتماعی معتقد است که افراد در بطن نیروهای اجتماعی قرار دارند و رفتارشان متأثر از نیروها و عوامل اجتماعی است. وی در تحلیل خود از رفتار مشارکتی تلاش می‌کند بر اساس متغیرهای اجتماعی، پدیده مشارکت یا عدم

1. Muniz & et al

2. Lee & et al

3. Noble

4. Emile Durkheim

5. Martin Lipset

مشارکت گروه‌های مختلف را تبیین کند. همچنین پدیده مشارکت گروه‌های مختلف در پویای اجتماعی را بر اساس متغیرهایی همچون جنسیت (مشارکت بیشتر مردان)، منزلت اجتماعی، درآمد، تحصیلات و ... تبیین می‌کند.

از نظر پارسونز^۱، مشارکت پدیده‌ای ذهنی است که برخاسته از افکار و عقاید و گرایش‌ها و فرهنگ مردم است. وی معتقد است که به دلیل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، مجموعه‌ای از قالب‌های پیش‌ساخته در ذهن افراد ایجاد شده است که بر رفتار و عملکرد آنان تأثیر می‌گذارد. وی از این قالب‌های پیش‌ساخته با عنوان متغیرهای الگویی یاد می‌کند. یکی از این الگوها، الگوی عام‌گرایی-خاص‌گرایی است. در این الگو سطح عمل اجتماعی افراد مد نظر است و اینکه آیا در روابط اجتماعی خود بر اساس معیارهای کلی برخورد می‌کنند یا بر اساس معیارهای خاص (روشه، ۱۳۷۶: ۷۰).

از آنجا که مشارکت عمل و فرایند فردی و اجتماعی است، لذا برای تبیین آن باید به ابعاد فردی و اجتماعی توجه نمود تا مدل نظری از شمول و جامعیت و توان تبیینی بیشتری برخوردار گردد. ابعاد نظری مطرح شده مبتنی بر جنبه فردی شامل نظریه لرنر، هومنز، دیوید و سیلرز، کلی و برین لینگر، آیزن و فیشبین، راجرز، چارلز هورتون کولی، روزنبرگ و در منابع جامعه‌شناختی در خصوص عوامل مؤثر بر مشارکت بر متغیرهای اعتماد اجتماعی در سطوح بین فردی و نهادی با استفاده از نظریات الکسی دو توکویل، مرتن، اینگلههارت، پاتنام، فوکویاما، گامبتا تأکید شده است.

الکسی دو توکویل^۲ بر یک فضای زندگی انجمنی در جامعه تأکید می‌کند و آن را در پیشرفت یک جامعه مؤثر می‌داند. به نظر او انجمن‌ها باعث می‌شوند که افراد با گروه‌ها و علایق وسیع‌تر پیوند یابند. بنابراین این انجمن‌ها به زندگی عمومی انسجام می‌دهند، فضایل مدنی را تحکیم و ارزشهای دموکراتیک را تثبیت می‌کند. وی مشارکت را در سایه همکاری و اعتماد جمعی ممکن می‌داند (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۸). بر اساس تئوری‌های بیگانگی، هر چه احساس بی‌قدرتی و بی‌محتوایی فردی در میان افراد بیشتر رواج یابد، افراد بیشتر دچار بیگانگی شده و عدم اعتماد و پایداری در روابط اجتماعی بروز خواهد کرد، چرا که یکی از مهم‌ترین مسائل نظم اجتماعی، اعتماد می‌باشد که ایجادکننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت است (بلوردی و بلوردی، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۴). رابرت مرتون^۳، از جمله جامعه‌شناسان پیرو مکتب اصالت واقعیت اجتماعی، بیگانگی را به عنوان یک مسأله اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد.

از دیدگاه اینگلههارت^۴، عوامل اجتماعی و فرهنگی مدرن با تأثیراتی که بر ارزش‌های جامعه دارند، شرایط را برای تغییرات فرهنگی مهیا می‌کنند. بنابراین، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی همواره نقش مهمی را بین عوامل گوناگون و مؤثر از یک سو و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی نظیر مشارکت از سوی دیگر ایفا می‌کنند. مشارکت متأثر از تغییر در اولویت‌های ارزشی است. همبستگی مشارکت نزد نسل‌های مختلف با فراگرد دگرگونی و تقابل ارزش‌ها، افول هنجارهای سنتی مذهبی و اعتماد است (اینگلههارت، ۱۳۸۳: ۳۷۸)، چرا که به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی‌اند و در نتیجه اعتماد تقویت‌کننده حوزه‌های کنش جمعی و تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. به اعتقاد پاتنام^۵ آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری

1. Parsons

2. Alexis de Tocqueville

3. Robert Merton

4. Inglehart

5. Putnam

های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب می‌کند و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق کنش جمعی را ممکن می‌سازد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۰). پاتنام، اعتماد را بعدی از سرمایه اجتماعی می‌داند که بر سه نوع تقسیم می‌شود: اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی. به اعتقاد پاتنام هر چه سطح اعتماد بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱). از نظر فوکویاما^۱، سرمایه اجتماعی عنصری از سرمایه بشری است که موجب می‌شود اعضای یک جامعه به هم اعتماد کنند و با تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های جدید با یکدیگر همکاری کنند، چرا که درجه بالاتری از اعتماد سبب ایجاد و ظهور روابط اجتماعی متنوع می‌شود. در عوض مردمی که به یکدیگر اعتماد ندارند فقط تحت سیستمی از قوانین و ضوابط رسمی که بتواند جایگزین اعتماد شود، می‌توانند با هم همکاری کنند (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۲۷). گامبتا^۲ معتقد است که هر چه اعتماد بیشتر باشد، همکاری بین افراد نیز بیشتر خواهد بود (گامبتا، ۲۰۰۰: ۲۲۰).

از نظر لرنر^۳، مشارکت نوعی تحرک روانی ایجاد می‌کند که می‌توان آن را در شخصیت پویا و فعال، قدرت انطباق، ابتکار و نوآوری در سطح فردی و افزایش میزان مشارکت مشاهده کرد (موسوی، ۱۳۹۱: ۹۰). لرنر معتقد است که با گسترش نهادهای مشارکتی و عضویت در بخش‌های مختلف جامعه، بر همدلی آنها افزوده و این همدلی موجب درک احساس و توانمندی دیگران شده و مشارکت اجتماعی و فرهنگی را به دنبال دارد (آوریده و علمی، ۱۳۸۹: ۳۹). هومنز^۴ بر این باور است که فرد در ساختار مبادله‌ای خود برای کسب پاداش از اصول مشترکی تبعیت می‌کند که جنبه زیستی روانی دارد. افراد از کسب پاداش لذت می‌برند و همین احساس لذت و فایده‌گرایی، آنان را به ادامه رفتارهای مبادله‌ای و می‌دارد (هومنز، ۱۹۵۸ به نقل از بلوردی و بلوردی، ۱۳۹۱: ۶۱).

از دیدگاه دیوید سیلز^۵ مشارکت اجتماعی و فرهنگی به عنوان نوعی رفتار مورد مطالعه قرار می‌گیرد. رفتاری که صورت کاملاً عینی و خارجی داشته و تحت تأثیر محرک‌های بیرونی شکل می‌گیرد. به نظر وی سه دسته متغیر نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی با یکدیگر مرتبط هستند و هر تغییری در هر یک از آنها مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵ به نقل از آوریده و علمی، ۱۳۸۹: ۴۰). به نظر وی اولاً افراد در متن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم و تربیت، مذهب و...) محاط شده‌اند، ثانیاً تفاوت‌های شخصیتی موجب می‌شوند که افراد از نظر آمادگی برای پاسخ دادن به محرک‌های اجتماعی متفاوت باشند، ثالثاً تأثیر پیش شرط‌های اجتماعی بر فعالیت اجتماعی افراد تا حدود زیادی بستگی به محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، الگوی باورها، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی دارد.

کلی و برین لینگر^۶ مشارکت را نوعی کنش جمعی دانسته‌اند و تبیین‌های مربوط به آن را در دو سطح فردی و فرافردی مورد توجه قرار داده‌اند. آنها معتقدند مشارکت در کنش جمعی باید با توجه به پیوندهای بین ویژگی‌های شخصیتی، موقعیت کنترل،

1- Fukuyama

2- Gambetta

3- Lerner

4- Homans

5- David Sills

6- Kelly and Bren Linger

جهت گیری فردگرایانه- جمع گرایانه و نیز جایگاه اجتماعی افراد مورد تبیین قرار گیرد (کلی و برین لینگر، ۱۹۹۶ به نقل از دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).

بر اساس دیدگاه آیزن^۱ و فیشبین^۲ برای تبیین رفتار باید به آمادگی بروز رفتار توجه نمود. آن چه در این دیدگاه وجود دارد، تأثیر مستقیم قصد و نیت افراد بر رفتار مشارکتی است. تفسیر آیزن و فیشبین بر این استوار است که قصد و نیت نیز تابع دو متغیر فردی و فشار اجتماعی است. بعد فردی برانگیزنده رفتار و روحیه مشارکتی متأثر از انتظار فایده و ارزیابی آن است (همان، ۷۱).

راجرز^۳ برای تبیین مشارکت بر ویژگی های فردی، روانی و انگیزشی تأکید نموده و معتقد است که از لحاظ روانی باید در افراد نوعی آمادگی برای پذیرش پدیده های جدید و تغییرهای نو وجود داشته باشد. به اعتقاد وی اگر جامعه ای سنت گرایی بیشتری داشته باشد، مشارکت اجتماعی در آن کمتر است. به علاوه میزان آینده گرایی کمتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز کمتر است. به نظر راجرز وجود عناصری نظیر عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری و تقدیرگرایی و نظایر آنها امکان تحقق مشارکت را برطرف می سازد (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

چارلز هورتون کولی^۴، جامعه پذیری را تلاش مشارکتی می دانست که در آن فرد در رابطه با دیگران مفهوم "خود" را گسترش می دهد و جامعه به عنوان دیگری عام^۵ دوباره در ذهن فرد خلق می شود. به نظر وی "خود" نخست فردی و سپس اجتماعی نمی شود بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می گیرد. آگاهی یک شخص از خودش بازتاب افکار دیگران درباره خودش است. مضمون نظریه کولی این است که ماهیت انسانی خود، عقیده، فکر و نگرش افراد از رهگذر تعامل با دیگران شکل می گیرد.

از دیدگاه روزنبرگ^۶ خودپنداره شامل تفکرات و احساسات فرد درباره خودش به عنوان یک موضوع است. روزنبرگ مکانیزم هایی را برای شکل گیری عزت نفس و به تبع آن رفتار مؤثر می داند که عبارتند از: اصل ارزیابی های بازتابی، اصل مقایسه اجتماعی و اصل نسبت دادن به خود. اصل اول برگرفته از نظریات کولی و مید است، به صورتی که خود فرد بر مبنای آینه جامعه شکل می گیرد. چنانچه کار فرد (امر مشارکتی) از دیدگاه دیگران دارای ارزش و اهمیت باشد، بازتاب آن اثر مطلوب روی خودپنداره فرد دارد و بر عکس. اصل دوم برگرفته از نظریات فستینگر می باشد که به توضیح چگونگی قضاوت افراد درباره خودشان می پردازد. چنانچه کار خود در مقایسه اجتماعی با دیگران دارای ارزش و اهمیت بالایی باشد و این قضاوت مورد مطلوب شخص باشد، فرد از خودپنداره مثبت برخوردار خواهد بود. بر اساس اصل سوم افراد از طریق این فرایند، انگیزه ها، تمایلات و هدفها را بر مبنای مشاهده اعمال خود به خودشان نسبت می دهند (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۴). با توجه به این دیدگاه می توان خودپنداره فرد را در ارتباط با مشارکت تبیین نمود.

1- Aizen

2- Fishbin

3- Rogers

4- Charles Horton Cooley

5- Generalized Other

6- Rosenberg

در تحقیق حاضر با استفاده از رویکردهای نظری مطرح شده، ویژگیهای شخصیتی در قالب متغیرهای موقعیت کنترل، بیگانگی اجتماعی، آینده گرایی، عام گرایی و متغیر اعتماد اجتماعی در دو سطح اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از بررسی نظریه های مختلف در زمینه مشارکت اجتماعی مشخص شد که عوامل مختلفی بر میزان مشارکت مؤثرند؛ عده ای از نظریه پردازان بر تأثیر متغیر اعتماد بر میزان مشارکت تأکید دارند. از دید این نظریه پردازان، هر چه افراد اعتماد بیشتری داشته باشند، مشارکت بیشتر و فعال تری خواهند داشت (فوکویاما، گامبتا، اینگلهارت، پاتنام، الکسی دوتوکویل). برخی دیگر از نظریه پردازان مانند راجرز بر تأثیر ویژگیهای شخصیتی همچون آینده گرایی بر مشارکت تأکید دارند. با استفاده از نظریه راجرز می توان گفت هر چه میزان آینده گرایی کمتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز کمتر خواهد شد. یکی دیگر از ویژگیهای شخصیتی، عام گرایی می باشد که این ویژگی از نظریه پارسونز اقتباس شده است. هر چه افراد رفتار عام گرایانه بیشتری داشته باشند، در امور اجتماعی مشارکت بیشتری خواهند داشت. متغیر بیگانگی اجتماعی برگرفته از نظریه مرتن و دورکیم می باشد. بر این اساس، هر چه احساس بی قدرتی در میان افراد بیشتر رواج یابد، افراد بیشتر دچار بیگانگی شده و عدم اعتماد در روابط اجتماعی بروز خواهد کرد، چرا که یکی از مهم ترین مسائل نظم اجتماعی، اعتماد می باشد که ایجاد کننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت است. از دیگر ویژگیها، موقعیت کنترل می باشد که این متغیر از نظریات آیزن و فیشبین، کلی و برین لینگر برگرفته شده است. به اعتقاد این نظریه پردازان مشارکت در کنش جمعی باید با توجه به پیوندهای بین ویژگی های شخصیتی، موقعیت کنترل و نیز جایگاه اجتماعی افراد مورد تبیین قرار گیرد. برخی دیگر از نظریه پردازان مانند دورکیم و لیپست بر همبستگی و انسجام اجتماعی تأکید دارند. از دیدگاه این نظریه پردازان، همبستگی و انسجام اجتماعی زمینه مشارکت افراد در یک جامعه را فراهم می کند. متغیر خودپنداره برگرفته از نظریه چارلز هورتون کولی و روزنبرگ می باشد. بر اساس این نظریات، افرادی که خودپنداره مثبتی از خود دارند، در فعالیتهای اجتماعی مشارکت بیشتری دارند. بر این اساس بر مبنای ترکیب این نظریه ها و تحقیق های پیشین، عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی - فرهنگی مد نظر قرار گرفت.

روش پژوهش

این پژوهش از جهت هدف از نوع کاربردی، از جهت نحوه گردآوری داده ها از نوع توصیفی و از جهت تحلیل داده ها از نوع همبستگی است. در این پژوهش از رویکرد کمی و از نوع روش پیمایش استفاده شد. این پیمایش در دانشگاه پیام نور بندرعباس انجام گردید. داده ها با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شد. به منظور شناخت و دستیابی به علل و عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیتهای اجتماعی - فرهنگی دانشگاه، پرسشنامه ای بر اساس پایه نظری پژوهش تدوین شده و در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. بخشی از پرسشنامه مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی با استفاده از پرسشنامه استاندارد بلوردی، متغیر بیگانگی اجتماعی با استفاده از پرسشنامه استاندارد ملوین و سیمن، پرسشنامه عام گرایی حبیبی فهیم، پرسشنامه استاندارد خودپنداره راجرز و پرسشنامه مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی با سه بعد به صورت محقق ساخته بوده است. پرسشنامه ها به صورت حضوری و با مراجعه به دانشگاه در بین دانشجویان تکمیل شد. پرسشنامه ها دارای سؤال های باز و بسته بوده و بعد از پاسخ دهی توسط دانشجویان جمع آوری و پس از کد گذاری وارد رایانه شد. برای تعیین اعتبار^۱ پرسشنامه از روش اعتبار

1- Validity

صوری، یعنی میزان توافق متخصصان امر درباره یک شاخص یا معیار استفاده شده است. بدین صورت که پرسشنامه به چند نفر از اساتید و پژوهشگران صاحب نظر ارائه و نظرات آنها در پرسشنامه اعمال شد. در این تحقیق شاخص پایایی مقیاس، آماره آلفای کرونباخ است که دامنه آن از صفر تا یک تغییر می‌کند. برای دستیابی به پایایی^۱ با پیش‌آزمون^۲ نمونه ای ۵۰ نفر و با استفاده از آماره آلفای کرونباخ، سازگاری درونی پرسشنامه بررسی شد. بر این اساس پایداری درونی مقیاس‌های مورد استفاده در این تحقیق بالای ۰/۶۰ بدست آمد که نشانگر پایایی بالای این مقیاس‌ها می‌باشد.

در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم، پرسشنامه طراحی شده در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس توزیع شد. حجم نمونه با در نظر گرفتن دقت احتمال مطلوب ۰/۰۵ و در سطح اطمینان ۰/۹۵ با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر دانشجو انتخاب شد. تکنیک آماری به کار رفته در این پژوهش، متناسب با سطح سنجش داده‌ها (آزمون تی دو گروه مستقل، ضرایب همبستگی، تحلیل رگرسیون) می‌باشد. در این پژوهش، مشارکت اجتماعی-فرهنگی به عنوان متغیر وابسته و مجموع عوامل و ویژگیهای شخصیتی (بیگانگی اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌گرایی، موقعیت کنترل) و اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی) و خودپنداره به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده که جزئیات این متغیرها در تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم آمده است. در ارتباط با مفهوم سازی، مقیاس سازی متغیرها، برخی از متغیرها، شاخصی ترکیبی بوده و از طریق ترکیب چندین مؤلفه ساخته شد. جدول زیر میزان آلفای کرونباخ متغیرهای مورد اندازه‌گیری بر حسب تعداد معرف‌ها را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Reliability

2- Pre-test

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

میزان آلفای کرونباخ	تعریف مفهومی و عملیاتی	تعداد معرف‌ها	متغیر	
۰/۷۱۱	این بعد از طریق میزان عضویت دانشجویان در تشکل‌های دانشجویی اندازه‌گیری شده است.	۷	میزان مشارکت	مشارکت
۰/۷۶۷	بر مبنای چگونگی ایفای نقش دانشجویان در انجمن‌ها شامل انجمن اسلامی، علمی، بسیج، دانشجویی، کانون‌های فرهنگی، گروه‌های ادبی و هنری، تیم‌های ورزشی و تفریحی تعریف شده است.	۷	فعالیت مشارکتی ^۱	اجتماعی- فرهنگی
۰/۷۳۱	به معنی درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت‌کار شریک شوند.	۶	روحیه مشارکتی ^۲	
۰/۶۸۴	به معنای نوعی احساس ناتوانی، پوچی، بی‌معیاری، انزوا و جدایی از جمع می‌باشد.	۵		بیگانگی اجتماعی ^۳
۰/۷۰۵	نوعی جهت‌گیری ارزشی است که زمینه را برای بروز و ظهور کنش‌های منطقی فراهم می‌نماید.	۲		عام‌گرایی ^۴
۰/۷۰۵	به این معنی است که فرد با پذیرش نوعی انضباط و برنامه‌ریزی، جهت کسب منافع آتی حاضر به چشم‌پوشی از منافع و لذت آنی است.	۳		آینده‌گرایی ^۵
۰/۷۲۹	نوعی انتظار تعمیم‌یافته مربوط به اعتقاد افراد که بر روی کنش‌هایشان جهت نیل و دستیابی به اهداف مؤثر می‌باشد.	۴		موقعیت کنترل ^۶
۰/۷۳۴	به معنای اطمینان و اعتماد دانشجویان نسبت به یکدیگر است. در اعتماد بین شخصی دیدگاه دانشجویان نسبت به مصادیقی چون صداقت و راستگویی، تملق و چاپلوسی، دورویی و تظاهر، امانت‌داری، تقلب و زرنج‌بازی، کمک و همیاری سنجیده می‌شود.	۹	اعتماد بین شخصی ^۷	اعتماد اجتماعی ^۷
۰/۶۹۷	نشان‌دهنده میزان اعتماد به نهادها و مسئولان دانشگاه است. اعتماد نهادی بر اساس ارزیابی دانشجویان نسبت به عملکرد مسئولان دانشگاه در زمینه میزان آمادگی برای پذیرش سؤالات و پیشنهادات جدید، صداقت و تعهد داشتن، روراست بودن، قابل اعتماد بودن، احساس امنیت کردن در محیط دانشگاه سنجیده می‌شود.	۶	اعتماد نهادی ^۹	
۰/۷۶۴	مجموعه ادراک‌هایی که فرد نسبت به خود، صفات و رفتار خویش دارد و نیز نگاه دیگران نسبت به خود را می‌توان خودپنداره نامید (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۹).	۱۰		خودپنداره ^{۱۰}

¹-Participatory Activity

²-Participatory Spiritual

³- Social Alienation

⁴-Universalism

⁵- Futuralism

⁶- Position of Control

⁷- Social Trust

⁸- Interpersonal Trust

⁹-Institutional Trust

¹⁰-Self-Centredness

یافته‌ها

در ابتدا به ویژگی جمعیت شناختی نمونه مورد نظر اشاره می‌گردد. جدول ۲ میزان توزیع فراوانی نمونه منتخب دانشجویان بر اساس ویژگیهای آنان نشان می‌دهد.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب متغیرهای پژوهش

متغیرها		تعداد	درصد	متغیرها		تعداد	درصد	
گروههای سنی	۱۸-۲۰ سال	۱۱۶	۳۰/۱	جنسیت	دختر	۲۷۰	۷۰/۱	
	۲۱-۲۳ سال	۱۳۸	۳۵/۸		پسر	۱۱۵	۲۹/۹	
وضعیت اشتغال	۲۴-۲۶ سال	۶۵	۱۶/۹	وضعیت تأهل	متأهل	۱۳۵	۳۵/۱	
	۲۷-۲۹ سال	۳۳	۸/۶		مجرد	۲۵۰	۶۴/۹	
	۳۰ سال به بال	شاغل	۳۳	۸/۶	طبقه اقتصادی- اجتماعی	بالا	۶۹	۱۷/۹
			۱۱۳	۲۹/۴		متوسط	۲۸۲	۷۳/۲
غیر شاغل	۲۷۲	۷۰/۶	پایین	۳۴	۸/۸			
خودپنداره	منفی	۳۷	۹/۶	نوع سکونت	خوابگاه	۴۸	۱۲/۵	
	متوسط	۳۰۱	۷۸/۲		منزل استیجاری	۴۲	۱۰/۹	
	مثبت	۴۷	۱۲/۲		با خانواده	۲۹۵	۷۶/۶	
جمع کل پاسخگویان		۳۸۵	۱۰۰/۰	جمع کل پاسخگویان		۳۸۵	۱۰۰/۰	

یافته‌ها نشان می‌دهد از کل دانشجویان، ۷۰/۱ درصد دختر و ۲۹/۹ درصد پسر می‌باشند. میانگین سنی دانشجویان ۲۳ سال، حداقل سن ۱۸ سال و حداکثر ۳۵ سال می‌باشد. بیشترین درصد مربوط به گروه سنی ۲۱-۲۳ سال با ۳۵/۸ درصد می‌باشد. به لحاظ وضعیت تأهل ۳۵/۱ درصد متأهل و ۶۴/۹ درصد مجرد می‌باشند. ۲۹/۴ درصد از پاسخگویان شاغل و ۷۰/۶ درصد غیرشاغل بوده‌اند. محل سکونت ۱۲/۵ درصد از دانشجویان، خوابگاه، ۱۰/۹ درصد استیجاری و ۷۶/۶ درصد با خانواده زندگی می‌کنند. از لحاظ وضعیت اقتصادی- اجتماعی ۱۷/۹ درصد از دانشجویان در طبقه بالا، ۷۳/۲ درصد در طبقه متوسط و ۸/۸

درصد در طبقه پایین قرار دارند. ۹/۶ درصد از دانشجویان دارای خودپنداره منفی، ۷۸/۲ درصد متوسط و ۱۲/۲ درصد دارای خودپنداره مثبت بوده اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	درصد	متغیرها	تعداد	درصد
فعالیت مشارکتی	پایین	۴۵	روحیه مشارکتی	پایین	۷/۸
	متوسط	۲۷۹	متوسط	۳۰۵	۷۹/۲
	بالا	۶۱	بالا	۵۰	۱۳/۰
اعتماد شخصی	پایین	۳۸	اعتماد نهادی	پایین	۱۲/۷
	متوسط	۲۹۸	متوسط	۲۷۵	۷۱/۴
	بالا	۴۹	بالا	۶۱	۱۵/۸
آینده نگری	پایین	۴۵	عام گرایی	پایین	۱۵/۸
	متوسط	۲۹۷	متوسط	۲۷۳	۷۰/۹
	بالا	۴۳	بالا	۵۱	۱۳/۲
موقعیت کنترل	پایین	۳۲	بیگانگی اجتماعی	پایین	۱۰/۴
	متوسط	۳۰۶	متوسط	۲۸۶	۷۴/۳
	بالا	۴۷	بالا	۵۹	۱۵/۳
جمع کل پاسخگویان	۳۸۵	۱۰۰/۰	جمع کل پاسخگویان	۳۸۵	۱۰۰/۰

جدول شماره ۳ وضعیت فعالیت دانشجویان در شکل های دانشجویی نشان می دهد. فعالیت ۱۱/۷ درصد دانشجویان در شکل های دانشجویی پایین، ۷۲/۵ درصد متوسط و ۱۵/۸ درصد بالا می باشد. ۷/۸ درصد دانشجویان دارای روحیه مشارکتی پایین، ۷۹/۲ درصد متوسط و ۱۳ درصد دارای روحیه مشارکتی بالا هستند. ۹/۹ درصد دانشجویان دارای اعتماد شخصی پایین، ۷۷/۴ درصد دارای اعتماد شخصی متوسط و ۱۲/۷ درصد دارای اعتماد شخصی بالا هستند. ۱۲/۷ درصد دانشجویان دارای اعتماد

نهادی پایین، ۷۱/۴ درصد متوسط و ۱۵/۸ درصد دارای اعتماد نهادی بالا بوده‌اند. ۱۵/۸ درصد از دانشجویان دارای عام‌گرایی به میزان پایین، ۷۰/۹ درصد دارای عام‌گرایی به میزان متوسط و ۱۳/۲ درصد دارای عام‌گرایی به میزان بالا هستند. ۱۰/۴ درصد دانشجویان دارای بیگانگی اجتماعی پایین، ۷۴/۳ درصد متوسط و ۱۵/۳ درصد دارای بیگانگی اجتماعی به میزان بالا می‌باشند. ۱۱/۷ درصد دانشجویان دارای میزان آینده‌گرایی پایین، ۷۷/۱ درصد متوسط و ۱۱/۲ درصد دارای آینده‌گرایی بالا بوده‌اند. ۸/۳ درصد دانشجویان دارای نمره موقعیت کنترل به میزان پایین، ۷۹/۵ درصد دارای نمره موقعیت کنترل به میزان متوسط و ۱۲/۲ درصد دارای نمره بالا هستند.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی - فرهنگی بر حسب جنسیت

روحیه مشارکتی		فعالیت مشارکتی			میزان مشارکت			مشارکت اجتماعی جنسیت	
		میانگین	مقدار t	Sig	میانگین	مقدار t	Sig		
۰/۰۰۴	۲/۸۸۴	۱۸/۷۷۰	۰/۰۲۲	-۲/۲۹۴	۱۷/۰۱۱	۰/۰۱۶	-۲/۴۲۸	۲/۰۷۰	دختر
		۱۷/۲۹۵			۱۸/۴۵۲			۲/۳۷۳	پسر

نتایج آزمون T-test نشان داد که بین میزان مشارکت، فعالیت مشارکتی و روحیه مشارکتی دختران و پسران دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی متغیر جنسیت در تعیین مشارکت دانشجویان در فعالیتهای اجتماعی - فرهنگی دانشگاه مؤثر می‌باشد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میانگین نمره پسران دانشجویان در متغیر میزان مشارکت و فعالیت مشارکتی بیشتر از دختران دانشجویان است، ولی میانگین روحیه مشارکتی در بین دختران بیشتر از پسران است. بنابراین می‌توان گفت دانشجویان دختر در سطح ذهنی مشارکت جوتر هستند و مشارکت پایین آنها در سطح عینی ناشی از موانع ساختاری در نظام سیاسی و فرهنگی جامعه می‌باشد. میزان مشارکت بیشتر دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر می‌تواند ناشی از بستر اجتماعی فرهنگی جامعه باشد. محیط جدیدی که در نتیجه ورود دانشجویان به دانشگاه برای آن‌ها ایجاد می‌شود به دلیل محدودیت‌های فرهنگی تأثیر بیشتری بر دختران دانشجویان می‌گذارد به این صورت که حضور آن‌ها در نهادهای علمی را نسبت به پسران دانشجویان که از این حیث فشار کمتری احساس می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا می‌توان با شناسایی این محدودیت‌ها و فشارها و حذف یا کاهش حساسیت نسبت به آنها، میزان مشارکت دختران دانشجویان را افزایش داد. در تحقیق محسنی و جاراللهی (۱۳۹۱) نیز در زمینه مشارکت اجتماعی، میزان مشارکت زنان کمتر از مردان بوده و مردان با گروهها و انجمن‌های علمی و فرهنگی مشارکت و همکاری بیشتری دارند و عواملی مثل اعتقاد کمتر به جبرگرایی، ارزشهای فرامادی، سرمایه اجتماعی بالا و... بر این مسأله تأثیرگذار هستند.

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی- فرهنگی بر حسب وضعیت تأهل

روحیه مشارکتی			فعالیت مشارکتی			میزان مشارکت			مشارکت اجتماعی تأهل
Sig	t مقدار	میانگین	Sig	t مقدار	میانگین	Sig	t مقدار	میانگین	
۰/۰۲۸	۲/۲۱۱	۱۹/۰۳۷	۰/۲۴۶	-۱/۱۶۱	۱۶/۹۸۵	۰/۳۸۲	۰/۸۷۵	۲/۲۲۹	متأهل
		۱۷/۹۴۸			۱۷/۶۸۸			۲/۱۲۴	مجرد

با توجه به آماره جدول ۵ میانگین روحیه مشارکتی در بین مجردین و متأهلین نشان از تفاوت دارد، به گونه ای که متأهلین از روحیه مشارکتی بیشتری نسبت به مجردین برخوردار هستند. مقدار t و سطح معنی داری محاسبه شده این تفاوت را معنادار می‌داند. با توجه به مقدار t و سطح معناداری به دست آمده تفاوت معناداری بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت و فعالیت مشارکتی وجود ندارد. بدین معنا بر خلاف پیش فرض موجود، وضعیت تأهل تأثیری در میزان مشارکت و فعالیت مشارکتی ندارد.

جدول ۶- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی- فرهنگی بر حسب وضعیت اشتغال

روحیه مشارکتی			فعالیت مشارکتی			میزان مشارکت			مشارکت اجتماعی اشتغال
Sig	t مقدار	میانگین	Sig	t مقدار	میانگین	Sig	t مقدار	میانگین	
۰/۷۳۱	-۰/۳۴۴	۱۸/۲۰۳	۰/۷۵۴	-۰/۳۱۳	۱۷/۳۰۰	۰/۴۷۷	-۰/۷۱۳	۲/۰۹۷	شاغل
		۱۸/۳۸۲			۱۷/۵۰۰			۲/۱۸۷	غیرشاغل

جدول شماره ۶ تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان را بر حسب وضعیت اشتغال نشان می‌دهد. با توجه به مقدار t و سطح معناداری به دست آمده تفاوت معناداری بین وضعیت اشتغال و میزان مشارکت، فعالیت مشارکتی و روحیه مشارکتی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت بر خلاف پیش فرض موجود که غیرشاغلین مشارکت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی دارند، علیرغم فرضیه‌های در نظر گرفته شده، وضعیت اشتغال تأثیری در میزان مشارکت، فعالیت مشارکتی و روحیه مشارکتی دانشجویان ندارد.

جدول ۷- همبستگی میان خودپنداره و ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی - فرهنگی

مشارکت اجتماعی			میزان مشارکت			فعالیت مشارکتی			روحیه مشارکتی
خودپنداره			Sig			Sig			Sig
همبستگی	Fمقدار	Sig	همبستگی	Fمقدار	Sig	همبستگی	Fمقدار	Sig	
۰/۱۳۱	۶/۶۶۲	۰/۰۱۰	۰/۲۱۱	۱۷/۷۸۶	۰/۰۰۰	۰/۳۸۴	۶۶/۲۵۹	۰/۰۰۰	

همبستگی محاسبه شده بین خودپنداره و میزان مشارکت برابر با ۰/۱۳۱ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد، در نتیجه این فرضیه که بین خودپنداره و میزان مشارکت رابطه وجود دارد مورد تأیید قرار گرفته است. مثبت بودن همبستگی بر این نکته دلالت دارد که با افزایش خودپنداره بر میزان مشارکت نیز افزوده می شود. همبستگی محاسبه شده بین خودپنداره و فعالیت مشارکتی برابر با ۰/۲۱۱ است که این همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد. در نتیجه رابطه بین خودپنداره و فعالیت مشارکتی مورد تأیید قرار گرفته است. همبستگی محاسبه شده بین خودپنداره و روحیه مشارکتی ۰/۳۸۴ می باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد. با افزایش خودپنداره بر میزان فعالیت‌های جمعی دانشجویان افزوده می شود.

جدول ۸- همبستگی میان ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی - فرهنگی

مشارکت اجتماعی			میزان مشارکت			فعالیت مشارکتی			روحیه مشارکتی
ویژگی‌های شخصیتی			Sig			Sig			Sig
همبستگی	Fمقدار	Sig	همبستگی	Fمقدار	Sig	همبستگی	Fمقدار	Sig	
۰/۲۴۷	۲۴/۹۳۷	۰/۰۰۰	۰/۱۳۰	۶/۵۸۱	۰/۰۱۱	۰/۱۸۰	۱۲/۸۷۸	۰/۰۰۰	بیگانگی اجتماعی
۰/۲۳۵	۲۲/۴۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۸۵	۲/۸۰۰	۰/۰۴۵	۰/۲۹۴	۳۸/۲۰۳	۰/۰۰۰	عام‌گرایی
۰/۰۷۰	۱/۹۰۴	۰/۱۶۸	۰/۱۱۰	۴/۷۰۷	۰/۰۳۱	۰/۵۰۰	۱۲۷/۴۸۲	۰/۰۰۰	آینده‌گرایی
۰/۰۴۷	۰/۸۴۹	۰/۳۵۷	۰/۲۱۶	۱۸/۷۱۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۲	۴/۰۲۰	۰/۰۴۶	موقعیت کنترل

همانطور که نتایج جدول ۸ نشان می دهد بین بیگانگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان در ابعاد سه گانه آن رابطه معناداری وجود دارد. عام‌گرایی به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی نیز بر ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان تأثیر مثبت دارد. با توجه به مثبت بودن همبستگی، با افزایش میزان عام‌گرایی، مشارکت در فرد ارتقاء پیدا می کند و فرد آمادگی بیشتری برای مشارکت در جمع‌های عمومی تر و گسترده تر پیدا می کند. رابطه بین آینده‌گرایی و مشارکت

اجتماعی - فرهنگی دانشجویان در همه ابعاد به جز بعد میزان مشارکت معنادار می‌باشد. همچنین رابطه بین موقعیت کنترل و ابعاد مشارکت اجتماعی - فرهنگی به جز بعد میزان مشارکت معنادار می‌باشد.

جدول ۹- همبستگی میان اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) و ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی - فرهنگی

مشارکت اجتماعی			میزان مشارکت			فعالیت مشارکتی			روحیه مشارکتی		
اعتماد اجتماعی			همبستگی			مقدار F			Sig		
اعتماد بین شخصی			۰/۴۱۱	۷۷/۶۷۴	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸	۱۱/۱۷۵	۰/۰۰۱	۰/۴۷۵	۱۱۱/۸۰۷	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی			۰/۱۸۵	۱۳/۵۷۱	۰/۰۰۰	۰/۰۶۰	۱/۳۷۲	۰/۲۴۲	۰/۳۰۱	۳۸/۲۷۴	۰/۰۰۰

همانطور که ملاحظه می‌شود بر اساس جدول ۹ بین اعتماد بین شخصی و ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی - فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش اعتماد بین شخصی در بین دانشجویان، مشارکت دانشجویان افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد بین اعتماد نهادی و ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی - فرهنگی به جز بعد فعالیت مشارکتی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰- معادله رگرسیون چندمتغیره رابطه متغیرهای مستقل با میزان مشارکت به روش مرحله به مرحله

متغیرهای مستقل	R	R ²	Adj.R ²	اشتباه استاندارد	B	بتا	t	F	Sig
اعتماد بین شخصی	۰/۴۱۱	۰/۱۶۹	۰/۱۶۶	۱/۰۳۱	۰/۰۹۵	۰/۴۱۱	۸/۸۱۳	۷/۶۷۴	۰/۰۰۰
عام‌گرایی	۰/۴۳۱	۰/۱۸۶	۰/۱۸۲	۱/۰۲۱	۰/۰۸۳	۰/۱۳۷	۲/۸۶۵	۴۳/۶۷۲	۰/۰۰۰
آینده‌گرایی	۰/۴۴۴	۰/۱۹۸	۰/۱۹۱	۱/۰۱۵	-۰/۰۴۶	-۰/۱۱۶	-۲/۳۲۹	۳۱/۲۶۰	۰/۰۰۰
بیگانگی اجتماعی	۰/۴۵۴	۰/۲۰۶	۰/۱۹۸	۱/۰۱۱	۰/۰۲۹	۰/۰۹۹	۱/۹۹۷	۲۴/۶۲۷	۰/۰۰۰

Constant = -۰/۶۶۱

شکل نهایی معادله با استخراج ضرایب خام (B) به صورت زیر می باشد:

$$Y_1 = -0/666 + (0/095) \text{ شخصی} + (0/083) \text{ اعتماد بین شخصی} + (-0/046) \text{ گرابی} + (0/029) \text{ بیگانگی اجتماعی} + (0/029) \text{ آینده گرابی}$$

همچنان که از ارقام جدول ۱۰ مشخص می شود، پس از وارد شدن تمام متغیرهای مستقل، نهایتاً چهار متغیر اعتماد بین شخصی، عام گرابی، آینده گرابی و بیگانگی اجتماعی وارد معادله شده و بقیه متغیرها کنار گذاشته شده اند. میزان همبستگی چندگانه (R) متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق که میزان مشارکت است برابر با ۰/۴۵۴ است و ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۲۰۶ است یعنی ۲۰/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می شود. با توجه به مقادیر F و سطح معناداری موجود در جدول رابطه متغیرها در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار می باشد.

جدول ۱۱- معادله رگرسیون چندمتغیره رابطه متغیرهای مستقل با فعالیت مشارکتی به روش مرحله به مرحله

متغیرهای مستقل	R	R ²	Adj.R ²	اشتباه استاندارد	B	بتا	t	F	Sig
موقعیت کنترل	۰/۲۱۶	۰/۰۴۷	۰/۰۴۴	۵/۵۴۵	۰/۳۶۵	۰/۲۱۶	۴/۳۲۵	۱۸/۷۱۰	۰/۰۰۰
آینده گرابی	۰/۲۸۴	۰/۰۸۱	۰/۰۷۶	۵/۴۵۲	-۰/۳۸۲	-۰/۱۹۴	-۳/۷۶۷	۱۶/۷۷۳	۰/۰۰۰
اعتماد بین شخصی	۰/۳۴۱	۰/۱۱۶	۰/۱۰۹	۵/۳۵۳	۰/۲۳۶	۰/۲۰۴	۳/۸۹۹	۱۶/۶۶۶	۰/۰۰۰

Constant = ۱۰/۷۱۸

شکل نهایی معادله با استخراج ضرایب خام (B) به صورت زیر می باشد:

$$Y_1 = 10/718 + (0/365) \text{ کنترل} + (-0/382) \text{ آینده گرابی} + (0/236) \text{ شخصی}$$

جدول ۱۱ نشان دهنده معادله رگرسیون چندمتغیره رابطه میان متغیرهای مستقل با فعالیت مشارکتی می باشد. همان گونه که ملاحظه می شود پس از وارد شدن تمام متغیرهای مستقل نهایتاً سه متغیر موقعیت کنترل، آینده گرابی و اعتماد بین شخصی وارد معادله رگرسیون شد. یافته های جدول نشان دهنده این است که این متغیرهای مستقل ۳۴/۱ درصد با متغیر فعالیت مشارکتی همبستگی دارند و ۱۱/۶ درصد از واریانس فعالیت مشارکتی توسط سه متغیر تبیین می شود که این ضریب جهت تعمیم به کل

جامعه مورد مطالعه، ۱۰/۹ درصد می باشد. مقادیر F و سطح معناداری موجود در جدول نشانگر این است که روابط میان سه متغیر با فعالیت مشارکتی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار است.

جدول ۱۲- معادله رگرسیون چندمتغیره رابطه متغیرهای مستقل با روحیه مشارکتی به روش مرحله به مرحله

متغیرهای مستقل	R	R ²	Adj.R ²	اشتباه استاندارد	B	بتا	t	F	Sig
آینده گرایی	۰/۵۰۰	۰/۲۵۰	۰/۲۴۸	۴/۰۲۰	۰/۸۰۳	۰/۵۰۰	۱۱/۲۹۱	۱۲۷/۴۸۲	۰/۰۰۰
اعتماد بین شخصی	۰/۵۹۱	۰/۳۵۰	۰/۳۴۶	۳/۷۴۸	۰/۳۲۱	۰/۳۳۹	۷/۶۵۶	۱۰۲/۶۳۳	۰/۰۰۰
عام گرایی	۰/۶۰۳	۰/۳۶۸	۰/۳۵۹	۳/۷۱۲	۰/۳۱۴	۰/۱۲۶	۲/۹۳۳	۷۲/۶۵۲	۰/۰۰۰
موقعیت کنترل	۰/۶۱۰	۰/۳۷۲	۰/۳۶۶	۳/۶۹۲	-۰/۱۳۴	-۰/۰۹۷	-۲/۲۳۶	۵۶/۳۱۲	۰/۰۰۰

Constant = ۳/۹۶۵

شکل نهایی معادله با استخراج ضرایب خام (B) به صورت زیر می باشد:

$$Y_1 = 3/965 + (-0/134) \text{ موقعیت کنترل} + (0/314) \text{ عام گرایی} + (0/321) \text{ اعتماد بین شخصی} + (0/339) \text{ آینده گرایی} + (0/803) \text{ Constant}$$

جدول ۱۲ نشانگر آزمون رگرسیون چندمتغیره رابطه متغیرهای مستقل با روحیه مشارکتی می باشد. همچنان که مشخص می شود، پس از وارد شدن تمام متغیرهای مستقل نهایتاً چهار متغیر آینده گرایی، اعتماد بین شخصی، عام گرایی و موقعیت کنترل در معادله باقی ماندند. همانطور که نتایج نشان می دهد این متغیرها به میزان ۶۱ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارند و ۳۷/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می نمایند که این ضریب به منظور تعمیم برای کل جامعه مورد مطالعه به ۳۶/۶ درصد می رسد. بر اساس مقادیر F و سطح معناداری موجود در جدول، روابط میان متغیرها و روحیه مشارکتی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار می باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت دانشجویان در فعالیتهای اجتماعی - فرهنگی دانشگاه می‌تواند در شناسایی نقش و موقعیت دانشجویان در دانشگاه مؤثر واقع شود؛ به دانشجویان و به خصوص دانشجویان کارشناسی که در حال تجربه محیطی جدید هستند اعتماد به نفس داده و حس مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها ایجاد و تقویت نماید؛ اداره امور دانشجویی را راحت‌تر و کارآمدتر می‌سازد و مشارکت دانشجویان را در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها افزایش خواهد داد. مطالعه عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیتهای اجتماعی - فرهنگی دانشگاه از این نظر اهمیت شایانی دارد که تعالی و اثربخشی برنامه‌های فرهنگی، به مشارکت و پویایی فضای فرهنگی - اجتماعی و وجود انگیزه در انجام امور فرهنگی و اجتماعی وابسته است و اگر محیط کار فرهنگی پویا نباشد، در فراهم‌ترین شرایط هم اثر ماندگارش را نخواهد گذاشت. از دیگر سو، رکود فعالیتهای فرهنگی دانشجویان، بیشتر به عدم تحقق شرایط مناسب برای ایجاد و دوام انگیزه فعالیت آنان برمی‌گردد.

این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس انجام شد. در این مطالعه مشارکت اجتماعی - فرهنگی در قالب سه مؤلفه میزان مشارکت، فعالیت مشارکتی و روحیه مشارکتی بررسی شد. برای طراحی الگوی تحقیق از نظریات جامعه‌شناختی مختلفی استفاده به عمل آمد. از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شد. جامعه آماری، تمام دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس را در برمی‌گرفت. با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب تعداد ۳۸۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیدند. داده‌های گردآوری شده از نظر آماری برای آزمون فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج زیر به دست آمد.

از میان متغیرهای زمینه‌ای متغیرهای وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی - فرهنگی نداشته است. عدم رابطه وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال با مشارکت اجتماعی - فرهنگی با نتایج تحقیق فروزنده و همکاران (۱۳۹۰)، زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱)، بلوردی و بلوردی (۱۳۹۱) هماهنگ می‌باشد. در حالی که متغیر جنسیت با مشارکت اجتماعی - فرهنگی رابطه معناداری داشته است. نتایج تحقیق مبنی بر رابطه معنادار میان جنسیت و مشارکت با نتایج تحقیق‌های عبدالله زاده و همکاران (۱۳۸۹)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۷) مشابه و با برخی دیگر از تحقیق‌ها نظیر تحقیق فروزنده و همکاران (۱۳۹۰)، زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱) متفاوت است. نتایج این تحقیق با نظریه لیپست همسو است. بر اساس نظریه لیپست، جنسیت از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت می‌باشد و مردان نسبت به زنان مشارکت بیشتری در فعالیتهای اجتماعی دارند.

از نتایج دیگر تحقیق این است که رابطه معناداری میان خودپنداره و مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت افرادی که خودپنداره مثبتی از خود دارند مشارکت‌شان بیشتر از مشارکت افراد با خودپنداره منفی می‌باشد. بر این اساس خودپنداره و مشارکت با هم در رابطه هستند، بدین معنی فرد انگیزه‌ها، هدف‌ها و تمایلات خود را بر مبنای مشاهده اعمال خود، به خود نسبت می‌دهد. بدین ترتیب وقتی فردی در کار خود موفق است، این موفقیت را به خود نسبت می‌دهد که موجبات بالا رفتن سطح خودپنداره فرد را فراهم می‌کند. به تبع آن خودپنداره وی مثبت خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که خودپنداره و مشارکت در فعالیتهای گروهی با هم در رابطه و تعامل هستند. نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق سفیری و

صادقی (۱۳۸۸) هماهنگ می‌باشد. این متغیر برگرفته از نظریه روزنبرگ طراحی شده است. مطابق نظریه روزنبرگ چنانچه مشارکت از دیدگاه خود و دیگران دارای ارزش و اهمیت باشد، بازتاب آن اثر مطلوب روی خودپنداره دارد.

یافته دیگری از این تحقیق نشان می‌دهد که میان ویژگیهای شخصیتی (بیگانگی اجتماعی، عام‌گرایی، موقعیت کنترل، آینده‌گرایی) و مشارکت اجتماعی- فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه اخیر با نتایج برخی از تحقیق‌ها از جمله تحقیق بلوردی و بلوردی (۱۳۹۱) مشابه می‌باشد. رابطه این متغیر برگرفته از نظریه دورکیم، آیزن و فیشبین، کلی و برین‌لینگر، راجرز، پارسونز، سبلز و لرنر می‌باشد. بر طبق نظریه این پردازان، تفاوت‌های شخصیتی افراد باعث افزایش یا کاهش در مشارکت اجتماعی آنها می‌شود و مشارکت نیز نوعی تحرک روانی است که می‌توان آن را در ویژگیهای شخصیتی مشاهده کرد. بیگانگی اجتماعی در نظریه مرتن و دورکیم مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس می‌توان گفت هنگامی که فرد احساس می‌کند عمل او تأثیری بر سیر وقایع ندارد، دچار بیگانگی می‌گردد و این امر منجر به احساس بی تفاوتی، انفعال و عدم مشارکت در فعالیت‌ها می‌شود. یافته‌های این پژوهش نیز ارتباط معنی‌دار بین متغیر بیگانگی اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان را تأیید نموده است. متغیر موقعیت کنترل برآمده از نظریه آیزن و فیشبین، کلی و برین‌لینگر است که مطابق با آن افراد در صورتی به رفتاری رغبت نشان می‌دهند که اولاً اعتماد داشته باشند که آن رفتار به نتیجه مطلوب منجر خواهد شد و ثانیاً نتیجه حاصل ارزشمند است. راجرز نیز بر تأثیر ویژگیهای شخصیتی همچون آینده‌گرایی بر مشارکت تأکید دارند. عام‌گرایی نیز برگرفته از نظریه پارسونز می‌باشد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میان اعتماد اجتماعی و مشارکت رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی هر چه اعتماد اجتماعی در افراد بالاتر رود، بر میزان مشارکت اجتماعی آنان افزوده خواهد شد. در این زمینه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق‌های سفیری و صادقی (۱۳۸۸)، زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱)، بلوردی و بلوردی (۱۳۹۱)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۷) هماهنگ می‌باشد رابطه متغیر اعتماد و مشارکت را می‌توان با نظریه اینگلهارت، پاتنام، گامبتا، راجرز، توکویل، فوکویاما تبیین کرد. بنابراین می‌توان گفت ورود افراد به عرصه عمومی نیازمند وجود اعتماد اجتماعی است، چرا که یکی از عوامل و مؤلفه‌های اساسی روی دادن برهمکنش‌های اجتماعی، وجود اعتماد میان کنشگران در سطوح خرد و کلان است که این اعتماد به صورت اعتماد بین شخصی و نهادی نمود می‌یابد. مطابق این نظریات اعتماد تقویت‌کننده کنش جمعی می‌شود. هر اندازه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، مشارکت هم بیشتر می‌شود. با افزایش اعتماد اجتماعی دانشجویان، شرایط برای مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی بیشتر فراهم می‌شود. لذا ضروری است که از سوی مسئولان دانشگاه در جهت تقویت اعتماد دانشجویان تلاش‌های بیشتری صورت گیرد. در این پژوهش، اعتماد به عنوان یکی از عوامل بنیادین و تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی- فرهنگی شناخته شده و ارتباط معنی‌دار آن با متغیر وابسته مشارکت به تأیید رسیده است.

در نهایت به طور کلی می‌توان بیان داشت که برای داشتن محیطی فعال در دانشگاه‌ها و نهادهای علمی مربوطه نیازمند عضویت و مشارکت فعال دانشجویی می‌باشیم، چرا که بدون فعالیت دانشجویان موجودیت این نهادها و همچنین اهداف آن‌ها زیر سؤال خواهد رفت. از این رو نیازمند نوعی آسیب‌شناسی نسبت به عدم مشارکت اکثریت دانشجویان دانشگاه‌ها در این زمینه هستیم که تحقیق حاضر به نوعی قدم اولیه را در این راستا برداشته است. شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مسئولین دانشگاهی در این حوزه کمک‌کننده باشد.

بنابراین با توجه به نتایج مطالعه حاضر افزایش مزیت‌های عضویت در انجمن‌های علمی دانشگاهی، اطلاع‌رسانی این مزایا و برجسته‌سازی آن‌ها و همچنین بهبود و تقویت ارتباط بین انجمن‌های علمی و گروه‌های آموزشی مرتبط با هر انجمن و فراهم کردن شرایط برای ایجاد ارتباط بین اعضای انجمن‌ها و اساتید می‌تواند در سطح مشارکت دانشجویان مؤثر باشد. در این عوامل همچنین می‌توان به اعتماد اجتماعی دانشجویان به اساتید و مسئولان دانشگاهی و حتی اعتماد بین دانشجویی نیز اشاره داشت. بدین صورت که با افزایش اعتماد اجتماعی دانشجویان یا به عبارتی با افزایش و تقویت اعتماد دانشگاهی دانشجویان شرایط برای مشارکت آنها در نهادهای علمی و دانشگاهی بیشتر فراهم می‌شود.

پیشنهادات

- از آنجا که رابطه اعتماد و مشارکت در این تحقیق تأیید شد، پیشنهاد می‌شود برای افزایش اعتماد اقدامات مؤثری به ویژه در مورد اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی صورت پذیرد و به اعتماد بین شخصی هم توجه شود. اعتماد اجتماعی بالا، نتایج مفید و قابل ملاحظه‌ای برای جامعه به ارمغان می‌آورد. از یک سو انگیزه را برای مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، به توسعه و تحکیم روابط، پیوندها و شبکه‌های اجتماعی منجر می‌شود.

- توجه زیاد مسئولان دانشگاه به برنامه‌ها می‌تواند در جلب و افزایش مشارکت دانشجویان نقش بسزایی داشته باشد. بنابراین لازم است که این موضوع با دقت بیشتری از سوی مسئولین پیگیری شود.

- در جهت جلب مشارکت دانشجویان در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ها متناسب با علاقمندی و نیازهای دانشجویان تغییر و تدوین یابد.

- از جمله راهکارهای بسط مشارکت در نهادهای فعال دانشجویی، آشنا کردن دانشجویان با جایگاه‌ها و مسئولیت‌ها و امور و فعالیت‌های نهادها و تشکل‌های دانشجویی، توجه و اطلاع‌رسانی به دانشجویان تازه وارد برای آشنایی با کارکردها و دستاوردها و طراحی طیف وسیعی از فعالیتهای متنوع فرهنگی، ادبی، علمی، هنری، اجتماعی و ...

- مسئولان دانشگاهی باید بتوانند ساختارها و سازوکارهای اجرایی لازم را برای مشارکت و حمایت از هر گونه فعالیت فرهنگی و اجتماعی فراهم کنند تا دانشجویان فعال یابند مسئولیت طرح‌ها و برنامه‌های متعدد فرهنگی و اجتماعی را به دست گرفته، نقش فعالی را در این میدان وسیع ایفا کنند تا در نهایت سرزندگی و پویایی را برای آنان و دانشگاه به ارمغان آورد.

- به نظر می‌رسد برای تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان باید متغیرهای دیگری نیز به کار برده شود و سطح تحلیل را باید فراتر از سطح خرد و میانی برد و متغیرهای کلان تأثیرگذار بر فرایند مشارکت را نیز که معمولاً در خارج از مجموعه دانشگاه قرار می‌گیرند، مورد توجه قرار داد.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه پیام نور مرکز بندرعباس به خاطر همکاری در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

References

- Abdollahzadeh, N., Taghavi, N., & Alizadehghadam, M.B. (2011). Investigating the factors related to the social participation of students of Islamic Azad University of Tabriz branch, *The Journal of Sociology Studies*, 2(6), 87-106.
- Avarideh, S., & Elmi, M. (2011). Investigating the factors affecting the social and cultural participation of female students of Payam Noor University (case study of Rasht Center Payam Noor), *Journal of Woman & Study of Family*, 3(9), 35-52.
- Azkiya, M. (2003). *Sociology of development*, Tehran, word Publications.
- Balvardi, T., & Balvardi, Z.M. (2013). Examining students' spirit of participation and factors affecting it (case study: Islamic Azad Universities of Country Seven region), *Journal of Iranian Sociology*, 13(3), 57-82.
- Biro, A. (1996). *Social science culture*, Translation: Sarookhani, B, second edition, Tehran: Keyhan Publications.
- Dehghan, A., & Ghaffari, Gh. (2006). Explaining the socio-cultural participation of students of medical sciences universities in Tehran, *Journal of Iranian Sociological Association*, 6(1), 67-98.
- Delbari, S.M., & Ramezani, V. (2016). Studying the factors influencing motivation and dynamics in the cultural and social activities of students, *cultural engineering*, 9(84), 42-63.
- Forozandeh, L., Derini, M.V., Tab, M. & Seydi, F. (2012). Analysis of factors affecting the participation of Ilam University students in extracurricular activities, *Journal of Research in Educational Science*, 5(12), 53-69.
- Fukuyama, F. (1995). *Trust, The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, Free Press, New Yourk.
- Gambetta, D. (2000). *Can We Trust Trust? In Gambetta, Diego (ed) Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, Electronic Edition, Department of Sociology, University of Oxford, 213-237.
- Ghaffari, Gh & Niazi, M. (2007). *Sociology of Participation*, Tehran: Nazdik Publications.
- Inglehart, R. (2005). *Cultural Evolution in advanced industrial societies*, Translation: Vetr, M, Tehran: kavir Publications.
- Lee, C.W., Lin, L.C., & Hung, H.C. (2021). Art and Cultural participation and life satisfaction in adults: The role of physical health, mental health, and interpersonal relationship, *Frontiers in public Health*, 8(582342), 1-9.
- Mirzaei, H., Mirzaei, M., & Alizadeh, T. (2019). Studying the influencing factors on strengthening the social participation of students in student scientific (Study case: Ferdowsi University of Mashhad scientific associations), *Journal of Iranian Sociology*, 19(2), 154-169.
- Mohseni, M., & Jarallahi, A. (2012). *Social participation in Iran*, Tehran: Aron Publications.
- Mozaffari, A. (2017). The role of mass communication tools in the social participation of students (sociology and social communication sciences of Tehran universities), *Journal of Iranian Social Development Studies*, 9(1), 55-68.
- Muniz, C., Rodriguez, P., & Suarez, M.J. (2017). Participation in cultural activities: specification issues, *Journal of Cultural Economics*, 41(1), 71-93.
- Musavi, M.T. (2013). *An income on social participation*, Tehran: sociologists Publications.
- Noble, T. (2000). *Social Theory and Social Change*, New York: Palgrave.
- Patnam, R. (2002). *Democracy and civil traditions*, Translation: Delforuz, M.T, Tehran: office of Political Studies and Research of the Ministry of Interior.
- Quaglione, D., Cassetta, E. Crociata, A., & Sarra, A. (2017). Exploring additional determinants of energy-saving behaviour: The influence of individuals participation in cultural activities, *Energy policy*, 108, 503-511.
- Rocher, G (1997). *Talcott Parsons Sociology*, Translation: Nick Gohar, A, Tehran: Ney Publications.

- Safiri, KH., & Sadeghi, M. (2010). Social participation of female students of social science faculties of Tehran universities and social factors affecting it, *Journal of Applied Sociology*, 20(34), 2, 1-34.
- Tanhaei, A. (1995). *An introduction to the schools and theories of sociology*, Tehran: Merandiz Publications.
- Zare shahabadi, A., & Nooriannajaf, M. (2013). Examining the relationship between social trust with social participation among Yazd University students, *Journals of Economic & Development Sociology*, 1, 47-69.

